



دوفصلنامه کلام اهل بیت علیهم السلام

سال دوم | شماره اول | بهار و تابستان ۱۳۹۹

Bi-Quarterly Kalam of Ahl al-Bayt (a)
Vol. 2, No. 1, Spring & Summer 2020

گونه‌شناسی تعبیرهای ناظر به امدادهای الهی در فرایند عصمت، از دیدگاه آیات و روایات

عبدالحسین کافی*

چکیده

آموزه «عصمت از گناه»، یکی از مفاهیم محوری در شناخت حجت‌های الهی است. یکی از ابعاد مهم این آموزه، فهم «منشأ عصمت» است. قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، مؤلفه‌های منشأ عصمت را بیان نموده‌اند. در این متون با تعبیرهای گوناگون، امدادهای الهی در فرایند عصمت از گناه بیان شده است؛ مانند «تعبیرهای حاوی مشتقات ماده عصم»، «اذهاب رجس و تطهیر»، «اخلاص و ماندن آن»، «اصطفاء و ماندن آن»، «تأیید و نصرت»، «اعطای علم» و «تصرف تکوینی». از مجموع این تعبیرها، کمک و ویژه خداوند به معصوم فهمیده می‌شود تا او بتواند مأموریتش را در راستای هدایت انسان‌ها - آن گونه که بایسته است - انجام دهد؛ بدون این که در ترک گناه مجبور باشد.

کلیدواژه‌ها

عصمت از گناه، قرآن، روایات، گونه‌شناسی تعبیرها، نقش خداوند در عصمت.

* پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث، پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم السلام، قم، ایران. | ahk1378@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

آموزه «عصمت از گناه»، یکی از مهم‌ترین باورها در شناخت پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام است. ابعاد گوناگون این عقیده، در کتاب‌های کلامی و غیر کلامی مورد کاوش قرار گرفته است.^۱ یکی از این جنبه‌ها، «خاستگاه عصمت» است. مقصود از خاستگاه عصمت، این است که عصمت معصوم از کجا ناشی می‌شود و منشأ آن چیست. متکلمان، فلاسفه و عرفا هر کدام از منظر و موضعی خاص به خاستگاه عصمت پرداخته‌اند (برای نمونه، نک: الجرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۲۸۱)، اما کمتر پژوهشی می‌توان یافت که در پی کاوش کامل در آیات و روایات به تبیین منشأ عصمت بر آمده باشد. همان‌گونه که در ادامه این مقاله خواهد آمد، آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای منشأ عصمت، مؤلفه‌هایی مستقل قائل‌اند که زوایای گوناگون آن را در این متون می‌توان یافت.

با این که مسئله عصمت از عصر حضور معصومین مطرح بوده، و دانشمندان مسلمان در این زمینه دست به تألیف زده‌اند، اما در زمینه منشأ آن، تألیف مستقلی دیده نمی‌شود. شایان ذکر است که مراجعه به کتاب‌های رجال و فهارس نشان می‌دهد که در عصر حضور معصومین علیهم‌السلام، کتاب‌هایی در زمینه عصمت تألیف شده، اما این آثار به ما نرسیده است. از این‌رو، برای یافتن دیدگاه‌های دانشمندان شیعه و اهل سنت در این عصر باید به منابع واسطه مراجعه کنیم.^۲ از نمونه‌های نادر نگارش یافته در این زمینه، اثر محسن دیمه‌کارگراب است که در مقاله «عصمت امام و خاستگاه آن در قصص قرآن کریم» گذرا به خاستگاه و سرچشمه عصمت پرداخته است؛ البته، در محدوده آیات قرآن و بدون بررسی روایات یا دیدگاه دانشمندان مسلمان (نک: دیمه‌کارگراب، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳-۱۴۱).

بنا بر این، یکی از مهم‌ترین چالش‌های این پژوهش، کمبود تحلیل‌ها و پیشینه علمی منسجم از سوی فرهیختگان مسلمان است. این نکته بر سختی کار افزوده و طبعاً نارسایی‌های نخستین نگاشته‌ها درباره موضوع‌های بکر را با خود به همراه دارد. با این توجه، نگارنده این سطور، ادعای

۱. برای دیدن نمونه کتاب‌های کلامی، نک: الشریف المرتضی، ۱۲۵۰؛ التیمی، ۱۴۳۵، ص ۲۵۳-۲۸۳.

۲. با این که هشام بن حکم مسئله عصمت را تبیین کرده و به منشأ آن نیز توجه داشت، اما از نگاشته‌های او چیزی به جا نمانده و کهن‌ترین اثر در دسترس، الزهد نوشته حسین بن سعید اهوازی (متوفای قرن سوم) است که به اجمال به موضوع و مسئله «عصمت» پرداخته است.



چندانی در زمینه ژرف و شگرف بودن نویافته‌های این نوشتار ندارد.

انجام پژوهش حاضر از ابعاد گوناگون در خور اهمیت است؛ از سویی، بروز و رشد شبهات گوناگون درباره عصمت و منشأ آن در عصر حاضر - به ویژه در ذهن جوانان - نمود و بروز بیشتری یافته است. کاوش‌های دقیق درباره منشأ عصمت، راه را برای پاسخ‌گویی روشن‌تر به برخی از این شبهات هموار خواهد ساخت. از سوی دیگر، از آنجا که برخی از مبانی و مسائل این پژوهش در نزد برخی از پژوهشگران این حوزه، متأثر از منابعی غیر از کتاب و سنت است، انجام دقیق این پژوهش، مبانی و مسائل غیر وحیانی را آشکارتر می‌سازد. همچنین، از آن‌رو که بسیاری از فرهیختگانی که به این بحث پرداخته‌اند، همه منابع و متون را مورد کنکاش قرار نداده‌اند، استقصای این موارد، مایه بررسی‌های ژرف‌تر و رسیدن به نتایج دقیق‌تر - به ویژه از دیدگاه منابع وحیانی - خواهد بود. طبیعی است که اکتفا به برخی منابع این پژوهش، حاصلی ناقص خواهد داشت و تحویلی‌نگری، یکی از لوازم لاینفک آن به شمار خواهد رفت.

مهم‌ترین هدف این پژوهش، گونه‌شناسی تعبیرهای ناظر به امدادهای الهی در فرایند عصمت از دیدگاه آیات و روایات است.

آیات و روایات، به تفصیل و با تصریح یا تلویح به منشأ عصمت پرداخته‌اند. مطالعه دقیق این متون ما را به تنوع فراوان تعبیرهای ناظر به این مطلب که خود بیانگر جوانب پیچیده و درهم‌تیده آن است، رهنمون می‌سازد.

بررسی آیات و روایات ناظر به خاستگاه عصمت نشان می‌دهد که این متون از تعبیرهای گوناگونی برای تشریح این مطلب بهره برده‌اند. تنوع تعبیرها در این متون، تنها عبارت‌پردازی نیست، بلکه این تعبیرها به تبیین ابعاد گوناگون این مطلب پرداخته‌اند. این عبارات گوناگون همچنین این مطلب را توضیح می‌دهند که خاستگاه عصمت، مفهومی عمیق و مرکب است. از این‌رو، محفوظ بودن معصوم از گناه، حاصل فرایندی عمیق، ویژه و ذو ابعاد است و نمی‌توان آن را حالتی جبری دانست که معصوم بی‌اختیار مرتکب گناه نمی‌شود.^۱

لازم به ذکر است که برخی از تعبیرهای بیان‌کننده خاستگاه عصمت، در قرآن و برخی از آنها در روایات آمده‌اند. از این‌رو، در هر یک از زیرعنوان‌های این قسمت، سعی شده تا تعبیرهای

۱. درباره توضیح چگونگی جبری نبودن عصمت، نک: هاشمی‌نسب، ۱۴۳۲، ص ۱۲۹-۱۳۱؛ هاشمی تکابانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵-۲۰۹؛ سید مرتضی، ۱۴۳۶، ص ۱۶۹-۱۸۵؛ حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲-۱۳۶.





آیات، پیش از تعبیرهای مطرح شده در روایات بیان و ارائه شود. همچنین تعدادی از تعبیرها در دلالت بر عصمت، صریح‌اند، مانند «معصوم»؛ و برخی از آنها نیز چندان صریح نیستند؛ نظیر «مطهر». افزون بر این، تعدادی از تعبیرهای موجود در روایات، ناظر به حفظ الهی معصوم از سوی خدا (نقش خدا) هستند و برخی از آنها نیز ناظر به تلاش معصوم برای پرهیز از گناه (نقش معصوم). بی‌شک، تبیین «نقش معصوم در فرایند شکل‌گیری عصمت از دیدگاه آیات و روایات» در این نوشته کوتاه نمی‌گنجد و لازم است در نوشته‌ای دیگر به آن پرداخته شود، اما در بررسی آیات و روایات بیان‌کننده نقش خداوند در فرایند عصمت، پیوسته باید تلاش معصوم در تحقق عصمت، مطمح نظر باشد. به طور خلاصه، آیات و روایات فراوانی به تلاش معصوم در کنار امدادهای غیب پرداخته‌اند.^۲ از این رو، لازم است - در نوشته‌ای مستقل و مستند به آیات و روایات - همه مواردی که در این مقاله ناظر به نقش معصوم در ترک گناه اشاره شده است، تبیین، تحلیل و اثبات شود. متأسفانه این مهم، در این نوشته کوتاه نمی‌گنجد.

تعبیرهای ناظر به نقش خدا

آیات و روایاتی که به نقش خداوند - به عنوان خاستگاه عصمت - پرداخته‌اند، با تعبیرهای متنوع این مطلب را بیان نموده‌اند. آنچه در اینجا ارائه می‌شود، مواردی است که در استقصاء به دست آمده و آیات و روایاتی که آورده می‌شود، نمونه و مثال است و برای هر یک از عنوان‌ها، آیات و روایات فراوانی می‌توان یافت:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تعبیرهای حاوی مشتقات ماده «عصم»

متونی که محفوظ بودن معصوم از گناه (و خطا) را بیان می‌کنند و با استفاده از ماده «عصم» بیان شده‌اند، گوناگون‌اند و با مشتقات مختلف این ماده عَرَضه شده‌اند. در برخی از متون، تصریح

۱. از آنجا که از دیدگاه آیات و روایات، حفظ معصوم از گناه، نتیجه دو عامل (امداد الهی و تلاش معصوم در ترک گناه) است، در بررسی آیات و روایات ناظر به نقش خدا در عصمت معصومین علیهم السلام، الزاماً نمی‌توان در پی «علت تامه» برای حصول عصمت بود؛ بلکه نقش خدا، جزء العله برای حصول عصمت برای معصوم است.
۲. متأسفانه، این آیات و روایات جمع‌آوری و تحلیل نشده‌اند تا بتوان به منبعی مکتوب و منتشر شده ارجاع داد.

شده که خداوند معصوم را از گناه حفظ کرده است؛ مانند «عَصَمَهُمْ»^۱ و «عصمکم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴۶؛ جمعی از علما، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۱۸).^۲

اذهاب رجس و تطهیر

بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب، خداوند اراده کرده است که پلیدی (رجس) را از اهل بیت علیهم السلام بزدايد و آنان را كاملاً (از زشتی) پاک کند.^۳ انجام گناهان از مصادیق روشن ارتکاب پلیدی است. اذهاب رجس و تطهیر در روایات متعدد برای بیان پاکی پیامبران و ائمه علیهم السلام از گناه (و خطا) از سوی خدا به کار رفته است (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱؛ نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۵). امام صادق علیه السلام در مناظره با زندیقی، برای بیان این که زمین خالی از حجت نیست، به بیان ویژگی‌های حجت الهی (انبیا، رسل و ائمه) پرداختند. امام صادق علیه السلام، در این حدیث، حجت خدا را برگزیده خدا (صفوة الله) و دارای گوهری پیراسته (خُلص الجوهر) معرفی کرده‌اند که در صلب پدران، پاک نگهداشته شده‌اند و در رحم‌ها حفاظت شده‌اند؛ زناکاری دوره جاهلیت به آنان سرایت نکرده و با نسب‌های آنان آمیخته نگشته است. امام علیه السلام دلیل این ویژگی را چنین معرفی می‌کنند که خدا آنان را در جایگاهی قرار داده که درجه و شرفی برتر از آن نیست. سپس امام فرمود: «کسی که نگهبان علم خدا و امین غیب او و امانت‌دار سر او و حجتش بر خلق و مترجم از سوی او و لسان او باشد، جز دارای این ویژگی‌ها نیست» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۳۷). از این حدیث دانسته می‌شود که از سویی معصومین علیهم السلام از سوی خداوند تطهیر شده‌اند

۱. این تعبیر در روایات متعدد به چشم می‌خورد نظیر: هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۷۹؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۳۱ (به نقل از رساله الْمُحْكَمِ وَالْمُسْتَبَاهِ نوشته سید مرتضی)؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۴۷ (به نقل از رساله نعمانی). همچنین، نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸۰ (متن مورد استشهاد در این روایت اگرچه سخن معصوم نیست؛ اما سکوت معصوم در برابر آن را می‌توان کاشف از رضایت او از محتوای آن دانست).

۲. همچنین، نک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۹۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴۵؛ ابن المشهدی، ۱۴۱۹، ص ۲۴۸، ۵۲۷ و ۵۶۲؛ الکفعمی، ۱۴۱۸، ص ۲۹۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۸۸؛ ح ۲۴۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۳۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۳.

۳. «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». برای توضیح چگونگی مفهوم و گستره تطهیر، نک: حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱-۹۷؛ سند، ۱۴۲۰، ص ۳۷۴-۳۷۹.





و از سوی دیگر، امام علیه السلام برای بیان این نکته، از عبارات متعدد استفاده کرده‌اند (تا هم بر این مطلب تأکید کنند و هم ابعاد آن را کامل بیان نمایند. در حدیثی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من از پشت‌های (اصلاب) پاکان به رجم‌های پاکان منتقل شدم [و] زناکاری [دوره] جاهلیت به من نرسید» (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۷، ح ۴۲۵۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۶۵۰، ح ۳۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۶). برخی از روایات دلالت می‌کنند که اهل بیت علیهم السلام نیز مفهوم این تطهیر را «عصمت از سوی خداوند» می‌دانسته‌اند (نک: شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱، ح ۱؛ الهاللی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۷۹؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷).

تعبیر «مطهر» و مانند آن در روایات متعدد درباره معصومین علیهم السلام به کار رفته است.^۱

اخلاص و مانند آن

یکی دیگر از تعبیرهایی که برای تبیین کیفیت تأثیرگذاری خداوند متعال در حصول عصمت در آیات و روایات به کار رفته، تعبیر «اخلاص»، «استخلاص» و مانند آن است. واژه‌هایی مانند «اخلاص»، دلالت بر پاک نمودن معصومین علیهم السلام از هر ناخالصی است که در انسان‌ها یافت می‌شود و حاکی از آن است که خداوند متعال آنها را از هر گناهی مبرا ساخته است.^۲ برای نمونه، قرآن کریم در نقل داستان نجات دادن حضرت یوسف علیه السلام از ارتکاب گناه، می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآیْ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ؛ چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او باز داریم؛ زیرا او از بندگان مخلص ما بود» (سوره یوسف، آیه ۲۴). از این آیه فهمیده می‌شود که حضرت یوسف علیه السلام از کسانی بود که خدا آنان را برای خویش خالص گردانیده است. همچنین فهمیده می‌شود که یکی از نشانه‌های

۱. نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۹؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۱۰۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۳۲، ح ۱۴، فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۸، ح ۲۰۳ و ص ۳۰۷، ح ۴۱۲؛ نک: قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۵۰، اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۱، ابن حجر عسقلانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲. برای اطلاع بیشتر درباره کسانی که در قرآن کریم و روایات، «مطهر» دانسته شده‌اند، نک: هاشمی تنکابنی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳-۱۵۳. برخی از شبهات «آیه تطهیر» و پاسخ آنها که مرتبط با این پژوهش است را در منبع زیر دنبال کنید: حیدری، ۱۳۹۲، ص ۲۵۸-۲۴۹.

۲. برای دیدن استدلال فخر رازی، به آیات «اخلاص» و استفاده اطلاق آنها برای اثبات عصمت، نک: فخر رازی، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۱. برای آگاهی بیشتر از مفهوم «اخلاص» در این مسئله، نک: هاشمی تنکابنی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵-۱۴۳.

مُخْلِصِينَ،^۱ این است که برهان پروردگار خویش را می بینند و خداوند هر بدی و فحشائی را از آنان برطرف خواهد کرد. از این رو، مرتکب هیچ معصیتی نمی شوند و به دلیل ارائه برهان به آنان از سوی خداوند، تصمیم ارتکاب گناه نیز ندارند. این خود عصمت الهی است (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۳۰). با این که حضرت یوسف علیه السلام خود، ترک گناه کرده، اما از متن آیه شریفه پیش گفته و با توجه ویژه به واژه «لولا» که امتناع همت را منوط به رؤیت برهان رب کرده است، دانسته می شود که «ارائه برهان و امداد ویژه از سوی خداوند» نقشی تعیین کننده در ترک گناه از سوی آن حضرت، داشته است. به طور خلاصه، در این آیه هم سخن از ارائه برهان از سوی خداوند است، هم بازداشتن از بدی و فحشا از سوی خداوند و هم خالص ساختن آن حضرت از سوی پروردگار. با این حال، منافات ندارد که با ارائه برهان از سوی خداوند متعال، حضرت یوسف علیه السلام ترک گناه را برگزیده باشد.^۲

تعبیر «مُخْلِصِينَ» در قرآن درباره حضرت موسی علیه السلام هم به کار رفته است: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا» (سوره مریم، آیه ۵۱؛ نک: سوره حجر آیه ۳۹-۴۰ و ۴۵-۴۷). این آیه نیز بر این نکته دلالت دارد که آن حضرت از سوی خداوند از هر چیزی که او نمی پسندد، پیراسته شده است. اطلاق این تعبیر نیز در حدی است که هر گناه و خطایی را در بر می گیرد؛ چه فردی باشد، چه جماعی؛ کبیره باشد یا صغیره؛ جوارحی باشد یا جوارحی؛ در گفتار باشد یا رفتار؛ در تلقی وحی باشد یا در ابلاغ آن یا در عمل بر طبق آن و همچنین چه در امور دینی باشد، چه غیر دینی. از همین ماده، کلمه «استخلاص» است که درباره معصومین علیهم السلام به کار رفته و دلالت بر تصرف الهی در گزینش معصومین علیهم السلام برای هدایت خلق دارد. گزینشی که حاوی عصمت آنان از همه گناهان است. البته، این گزینش، همراه پیمانی است که خداوند از آنان گرفته برای آلوده نشدن به دنیاپرستی که یکی از منشأهای مهم آلوده شدن به گناهان است و خداوند دانسته که آنان به این پیمان، وفا خواهند کرد (ابن المشهدی، ۱۴۱۹، ص ۵۷۳). بدیهی است که آن کس که آلوده به گناه باشد، خالص برای خدا و دین او نیست و نمی توان گفت که خداوند او را برای خود خالص کرده است، بلکه او در ارتکاب گناه، اسیر هوای نفس یا شیاطین جنّ و انس است و در همین حد، مُشْرک است و خالص نیست.

۱. آشکار است که همه این توضیحات درباره «مُخْلِصِينَ» (به فتح لام) و به عنوان اسم مفعول است؛ نه اسم فاعل.
 ۲. برای آگاهی از تبیین و توضیح این شهر آشوب درباره این موضوع، نک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۳.



اصطفاء و مانند آن

در تعدادی از آیات و روایات، درباره معصومین علیهم السلام تعبیرهایی مانند «اصطفاء»^۱، «اجتباء»، «اختیار» و «ارتضاء»^۲ و مشتقات آنها به کار رفته است.

این نوشته در صدد اثبات عصمت نیست و تنها در پی ارائه تعبیرهای ناظر به امدادهای الهی در حصول عصمت است، اما شاید بتوان در تبیین کیفیت دلالت این تعبیرها بر عصمت حجّت های الهی چنین گفت که این تعبیرها و مانند آنها^۳ به دلالت مطابقی یا التزامی، برگزینش مطلق معصومین علیهم السلام از سوی خداوند متعال دلالت دارند. این برگزینش مطلق، مستلزم عصمت آنان از گناه (و خطا) است.^۴ توضیح مطلب این که برای نمونه، خداوند متعال درباره ویژگی حضرت ابراهیم علیه السلام، اسحاق و یعقوب علیهم السلام می فرماید: «وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ؛ و آنان در پیشگاه ما جداً از برگزیدگان نیکانند» (سوره ص، آیه ۴۷). دو واژه «المصطفین» و «الأخیار»، «برگزیده بودن و نیک بودن» در همه افعال و تروک را در بر می گیرند؛ زیرا برای استثناء می توان گفت: «فلان من المصطفین الاخیار الا فی کذا». معنای استثناء، این است که اگر استثناء نمی کرد، «مستثنی» داخل در «مستثنی منه» بود؛ پس این آیه، دلالت دارد که این انبیاء (و بقیه پیامبران الهی) در همه امور، از «مصطفین اخیار» هستند و این استثناء، با سرزدن گناه از آنان منافات دارد. پس این آیه دلالت دارد که «اصطفاء»، یکی از مناشی عصمت این پیامبران علیهم السلام است. دیگر آیاتی که حاوی تعبیرهایی مانند اصطفاء، اجتباء، اختیار، و ارتقاء هستند نیز توضیحی مشابه این آیه دارند.^۵ قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام، اسحاق و یعقوب علیهم السلام را از کسانی می داند که «مصطفی و آخیار»^۶ اند؛ و حضرت اسماعیل، یسع و ذا الکفل علیهم السلام را از «اخیار» (برترین ها) برمی شمرد (سوره ص، آیه ۴۵-۴۸). اصطفاء، برگزینش خالص است؛ همان گونه



۱۰۰

دوفصلنامه کلام اهل بیت علیهم السلام ■ شماره ۳ ■ بهار و تابستان ۱۳۹۹

۱. برای نمونه، نگاه کنید به نامه امام علی علیه السلام به معاویه؛ ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰.
۲. مانند سخن امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه جنگ صفین (نک: منقّری، ۱۴۰۴، ص ۳۱۴).
۳. نظیر انتخاب، (نک: مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۲۱۳، ح ۱۸۴).
۴. برای دیدن استدلال فخر رازی، به آیات اصطفاء و استفاده اطلاق آنها برای اثبات عصمت، نک: فخر رازی، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰.
۵. این توضیح، از عبارات فخر رازی استفاده شده است (نک: فخر رازی، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۶-۴۵۷).
۶. فخر رازی نقل کرده که علما به اطلاق واژه «اخیار» در این آیه بر عصمت انبیا علیهم السلام استدلال کرده اند و ظاهراً خود او هم این مطلب را پذیرفته است (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۴۰۰).

که اختیار، گزینش برتر است (زیدی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۰۱). اصطفاء از سوی خدا، ملازم و مستلزم با تسلیم محض عبد در همه امور است و تسلیم محض در مقام اطاعت خداوند، همراه امدادهای ویژه الهی، مستلزم عصمت عبد از گناه است (نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۶۴؛ ج ۱۷، ص ۲۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۶ و ج ۴، ص ۶۲). تعدادی از بزرگان از این واژه درباره انبیا علیهم‌السلام استفاده عصمت از گناه کرده‌اند. «اصطفاء» در آیات و روایات متعدد برای معصومین علیهم‌السلام به کار رفته است (نک: سورة حج، آیه ۷۵-۷۶؛ سورة ص، آیه ۴۸-۴۵). در آیه ۷۵ و ۷۶ سورة حج، ابتدا به گزینش برخی از فرشتگان و انسان‌ها از سوی خدا تصریح شده و سپس به مراقبت خدا نسبت به عملکرد انبیای برگزیده توجه داده شده، تا تضمین الهی برای عصمت آنان را بیان کند. این مراقبت با تقوای کامل فرستادگان الهی و معصومین منافات ندارد، بلکه مکمل، قطعی کننده و تضمین کننده آن است. از این رو، هم ترک گناه از سوی معصوم، ارادی و مستند به خود اوست و هم برگزیدن، کار خدا و مستند به خدا و البته، ضامن سلامت تلاش پیامبران در اجرای مأموریت محوله به آنان است (نک: سورة جن، آیه ۲۸)؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۴۱۰). اصطفاء درباره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایات نیز به کار رفته است.^۲

یکی از آیاتی که در آن تعبیر «اجتباء» آمده، این آیه است: «وَمِنْ آيَاتِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سورة انعام، آیه ۸۷). نمونه‌ای از آیاتی^۳ که در آن کلمه «اختیار» به کار رفته و برگزینش الهی دلالت دارد، آیه زیر است: «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» (سورة طه، آیه ۱۳). این آیه خطاب به حضرت موسی علیه‌السلام است. از آنجا که فاعل اختیار، خداوند متعال با علم، قدرت و حکمت بی‌پایان است و متعلق اختیار از بُعد زمان، مکان و ابعاد دیگر آن، مطلق است و حکیمانه نیست که خداوند متعال کسی را برگزیند که مصون از گناه (و خطا) در ابعاد گوناگون نیست؛ این آیه دلالت می‌کند که این اختیار، تضمین کننده عصمت مطلق مختار از هر گونه گناه و خطا خواهد بود.^۴

۱. «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ * يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (سورة حج، آیه ۷۵-۷۶).

۲. مانند سخن امیر مؤمنان علیه‌السلام در خطبه جنگ صفین (نک: منقري، ۱۴۰۴، ص ۳۱۴).

۳. همچنین، نک: سورة دخان، آیه ۳۲ (به ضمیمه حدیث ذیل آن دراسترآبادی، ۱۴۰۹، ص ۵۵۶) و سورة قصص، آیه ۶۸ (ورویات ذیل آن، ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۱؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۹).

۴. شبیه این برداشت در برخی از روایات هم دیده می‌شود (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۱).





قرآن کریم، خداوند متعال را آگاه به غیب می‌داند و این که او هیچکس را بر غیب آگاه نمی‌سازد مگر رسولی که از او راضی شده که او را از پیش و پس محافظت خواهد کرد: «إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (سوره جن، آیه ۲۷). در این آیه هم رضایت خدا از رسول نه مقید به زمان است و نه به مقید به مکان و حیطة خاصی. از این آیه نیز می‌توان برداشت کرد که رضایت مطلق خدا، تضمین‌کننده عصمت مطلق رسول خواهد شد. در ادامه این آیه، دلیل این همه تدابیر امنیتی توضیح داده شده است.

از آن جا که یکی از مأموریت‌های مهم رسول، ابلاغ پیام الهی به مخاطبان وحی است و این کار باید در نهایت دقت و امانت انجام پذیرد، برای این کار، فردی گزینش می‌شود که همه کارهایش مورد پذیرش خداوند است و از سوی دیگر - به دلیل اهمیت ویژه این کار - همه امکانات لازم برای این کار مانند روح القدس و علم ویژه در اختیار او قرار داده خواهد شد. نباید از یاد برد که در این آیه، ابلاغ به رسولان نسبت داده شده و آنان به اختیار خویش، این بار سنگین را به سر منزل مقصود خواهند رساند. از همین توضیح دانسته می‌شود که قرار دادن این همه امکانات در اختیار رسولان، به دلیل سنگینی این مأموریت است و این فعل الهی، حاوی حکمتی عظیم است و اگر در اختیار دیگر انسان‌ها قرار داده نشده، از آن روست که چنین کار بزرگی هم از آنان خواسته نشده است.

تأیید و نصرت / امداد

از برخی آیات و روایات استفاده می‌شود که معصومین علیهم السلام از سوی خداوند متعال تأیید، حمایت و کمک شده‌اند. این مفهوم با تعبیرهای گوناگون بیان شده است. بسیاری از این متون دارای اطلاق^۱ و حاوی قرائنی هستند که نشان می‌دهد محفوظ بودن معصوم از گناه (و خطا) از سوی خداوند متعال تضمین شده است. بر اساس برخی از این متون، این تأیید و حمایت را می‌توان از

۱. ممکن است گفته شود که شاید خدای متعال در این آیات در مقام بیان اطلاق نبوده و از همین رو، اطلاق‌گیری صحیح نیست. در جواب، باید گفت: اولاً گوینده حکیم هنگامی که کلام خود را مطلق یا عام بیان کند - با وجود این که می‌تواند برای آن با قرینه متصله یا منفصله، مُقَدِّد یا مُخَصَّصی بیاورد؛ عموم عقلاً از کلام او اطلاق و عموم استفاده می‌کنند. ثانیاً، شاهد صحت اطلاق‌گیری، اخذ به اطلاق از سوی اندیشمندان است که به تبیین این آیات پرداخته‌اند؛ مانند علامه طباطبایی، فخر رازی و علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۲۳، ص ۱۰۰). ثالثاً، مهم‌تر از این دو استدلال، استشهاد معصوم به این آیات برای استفاده منشأ بودن اصطفااء برای عصمت انبیاء علیهم السلام است (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۶ که امام رضا علیه السلام به آیه ۳۳ سوره آل عمران استشهاد نموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ».

دیدگاه زمان از پیش از خلقت معصومین علیهم السلام تا پایان عمر آنان دانست. از آنجا که این متون فراوان است، به ناچار باید به ذکر شمار اندکی از آنها بسنده کرد. تعبیر به کار رفته در قرآن کریم برای این موضوع، «تثبیت» است:

وإن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك لتفتري علينا غيره وإذا لاتخذوك خليلاً * ولولا أن تبنتك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً؛ و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند * و اگر تو را استوار نمی داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی (سوره اسراء، آیه ۷۳-۷۴).

در این آیه، حمایت الهی در اعطای ثبات قدم به پیامبر صلی الله علیه و آله سبب شده تا آن حضرت به مشرکان گرایش پیدا نکند. این آیه نیز نشان می دهد که مأموریت عظیم پیامبر در ابلاغ رسالت و هدایت انسان ها به اندازه ای سنگین است که نیازمند حمایت ویژه الهی است.^۱

واژه امداد و نصرت در برخی دیگر از آیات - مانند آیه ۱۳ سوره شریفه نساء - نیامده، اما مصداق آن بیان شده است. بر اساس این آیه شریفه، گروهی تصمیم داشتند تا حضرت را گمراه کنند، اما خداوند متعال تضمین می دهد که توان ضرر رساندن به آن حضرت را نخواهند داشت. در ادامه، ریشه این حمایت در چند چیز دانسته شده است: نخست، فرستادن قرآن و حکمت برای آن حضرت و همچنین آموختن و آگاهی دادن به آن حضرت درباره وقایع و حقایق و احکامی که نمی دانسته است. در پایان نیز لطف بسیار خدا نسبت به آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته که می تواند از دیگر اموری باشد که مصونیت آن حضرت از گناه (و خطا) را در پی داشته باشد^۲ (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۷؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۱،

۱. برای توضیح بیشتر درباره چگونگی دلالت آیه بر مقصود، نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۷۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۸-۱۱۰ (البته در برخی روایات بیان شده که مقصود از این آیه و امثال آن، غیر پیامبر است) (نک: محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۳۷۲). علامه طباطبایی، برخی از این روایات را نقل کرده و وجه جمع آن با ظهور آیه را بیان نکرده است (نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۸). شاید بتوان این روایات را بر سطح پایین برخی از مخاطبان بعضی از این احادیث و محتوای ظاهر این آیه را بر معنای ژرف و چندضلعی منشأ عصمت، حمل کرد. توضیح این که این آیه حاکی از آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله بدون حمایت الهی در معرض انحراف از مسیر صحیح است. این مطلب، با ادله گوناگون قابل اثبات است، اما ممکن است افرادی که ضعف در باور دارند، نتوانند این موضوع را باور و تحمل کنند و از همین رو، در تعدادی از روایات، همه مطالبی که ممکن است از آنها استشمام عتاب پیامبر بشود؛ به غیر آن حضرت بازگردانده اند.

۲. روشن است که این آیه در بحث اعطای علم به معصومان نیز قابل طرح است و دیگر مؤیدهای این آیه در آنجا مورد ←





فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۶۹۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۵۸).

در حدیثی دیگر، امام صادق (علیه السلام) درباره رسولان الهی و بندگان خاص او فرمود که خداوند در آنان پنج روح قرار داده است: روح القدس، روح ایمان، روح قوت، روح شهوت، روح حرکت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۱؛ نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۶). از این متون و متون مشابه با آن دانسته می شود که معصومین (علیهم السلام)، مورد تأیید الهی هستند. این مضمون در روایات فراوان (نک: ابن المشهدی، ۱۴۱۹، ص ۲۰۵، ح ۳) نقل شده و به ویژه، بر تأیید معصومین با روح القدس تأکید بسیار شده است (نک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱؛ بیابانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸-۲۱۲). البته، این تأیید اجمالاً نسبت به همه مؤمنان بوده و معصومین (علیهم السلام) به عنوان بهترین مؤمنان به بهترین شکل در عمل به دستورات الهی از آن بهره می برند (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۸).

امام باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند، فرشته‌ای بزرگ را مأمور کرد تا از هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شیر گرفته شد، او را به سمت خوبی‌ها و مکارم اخلاق رهنمون ساخته و از بدی و اخلاق بد باز دارد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۰۷؛ نک: الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۰۱، الخطبة ۱۹۲). پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند مرا ادب کرد و خوب ادب کرد.^۱

اعطای علم

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که معصوم، هم زشتی انجام گناهان را به طور کامل می داند و هم عظمت خدا^۲ را به بهترین شکل درک کرده است.^۳ همچنین علمی وسیع به احکام و

→ بحث قرار داده خواهد شد. برای آگاهی بیشتر از محتوای آیه، نک: شیخ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۴. از دیگر آیاتی که می تواند به عنوان مؤید در این بحث طرح شود، آیه ۳۲ سوره فرقان است.

۱. «أَدْبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۰؛ نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۸۷؛ صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۹). برای آگاهی بیشتر، نک: دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷-۱۷۶.

۲. با شروع دوره امامت امام، خداوند متعال مرتبه‌ای از عظمت خود را به او عطا می کند که قبل از آن نداشته (نک: صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۲) و نیز در این زمان، خداوند مرتبه‌ای از تواضع و خضوع به او می بخشد که پیش از آن نداشته است (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳ و ۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۵ و برای مطالعه توضیح آن، نک: علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۰).

۳. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به تبیین آیت الله میرزا جواد تبریزی: (الخونئی و التبریزی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۴۸، ص ۱۲۷۶).

غیر احکام الهی از سوی خداوند متعال به او اعطا شده است.^۱ برداشت برخی از محققین آن است که علم اعطا شده به آنان که سبب ترک گناه می‌شود از سنخ علم عادی آدمیان نیست (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۲۹).

در اینجا، این سؤال مطرح می‌شود که علم چه رابطه‌ای با حصول عصمت دارد و چگونه منجر به حصول آن می‌شود؟ پاسخ این است که انجام گناه از سوی هر عاقلی، یا به سبب این است که حکمی از احکام الهی را نمی‌داند و یا نسبت به آن حکم غافل است و یا از عظمت خدا غافل است و یا شهوت بر او غلبه کرده است. بر اساس آیات و روایات، درباره معصوم، همه این راه‌ها مسدود است و هیچ‌یک از این بدیهها به وجود امام راه ندارد. بر اساس روایات، «الامام عالم لایجهل^۲» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۲) و به قرینه بافت این متن، جهل برای او در هیچ یک از امور دینی و آنچه دانستن آن برای رهبر جامعه ضروری است، وجود ندارد. امام رضا علیه السلام با استناد و اتکا به برخی آیات، «امام» را راهنمایی کننده به حق و کسی که به او حکمت و علم بسیار و کتاب و حکمت داده شده و آنچه را نمی‌دانسته به او تعلیم داده شده، معرفی می‌کند. همچنین امامان اهل بیت علیهم السلام را کسانی معرفی می‌کند که به آنان کتاب و حکمت داده شده است؛ به این معنا که به همه آنچه قرآن بر آن مشتمل است، واقف و آگاه‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۲؛ نک: دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۰۶). همچنین پیامبر و امام روح القدس را در اختیار دارند؛ «و روح القدس لاینام ولا یغفل ولا یلهو ولا یسهو» (صقار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۳). از این رو، امام با این که با تقواترین انسان‌ها (اتقی الناس) است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸) و از همه مردم به آنچه امر می‌کند، بیشتر عامل است و از آنچه نهی می‌کند، از همه انسان‌ها گریزان‌تر است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸) و هرگز غفلت بر او عارض نمی‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸)؛ اگر دچار غفلت، خطا یا جهل شود، روح القدس که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است، به او اطلاع داده و او را کمک خواهد کرد (صقار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱). با این حال، اگر زمینه گناه پیش آید، طوری به او ارائه برهان خواهد شد که با وجود آن، معصوم قصد گناه نیز نخواهد کرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸،

۱. نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۰ و ۲۶۰-۲۶۲ و ۱۷۲، ح ۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۵۹-۱۶۳؛ بیابانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴-۲۱۸. متکلمان و فلاسفه نیز علم غیب را که بخشی از علم پیامبر و امام است، مورد توجه قرار داده‌اند (نک: نادم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷-۱۶۴).

۲. این روایت، اطلاق دارد و همه علوم لازم برای شأن امامت را در بر می‌گیرد. البته، این اطلاق از دیگر روایات هم استفاده می‌شود.





ج ۱، ص ۲۰۱؛ نک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۵؛ ح ۱۶۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۷۴).
از مجموع آنچه گذشت، می‌توان به این نتیجه رسید که معصوم با توجه به علم کاملی که خداوند متعال به او اعطا کرده و به ضمیمه تلاش خود او امدادهای غیبی از سوی خداوند و روح القدس، به مرحله علم حضوری نسبت به درک گناه و زشتی آن و حضور خداوند متعال و عقابی که در پی گناه است خواهد رسید و به اختیار خود از گناه دست خواهد کشید. به عبارت دیگر، با این که ارتکاب گناه از سوی معصوم، استحاله عقلی ندارد، اما امتناع وقوعی دارد و «عصمت» چیزی جز این نیست. بنابراین و به طور خلاصه، درست است که اعطای علم، به معنای حفظ معصوم از گناه نیست،^۱ اما بخشی از نقش خداوند در فرایند حفظ معصوم از گناه را تبیین می‌کند و زمینه‌ساز احتراز معصوم از گناه خواهد بود.^۲

تصرف تکوینی خداوند

از برخی روایات منقول از طریق عامه استفاده می‌شود که در برخی از موارد که پیامبر اکرم (ص) در معرض ارتکاب گناه بوده، خداوند متعال تکویناً او را از این کار بازداشته است (نک: طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۳۱-۸۳۲).^۳

چند نکته درباره این دسته از احادیث، درخور توجه به نظر می‌رسد: (۱) برای آنها، آن سند قابل اعتمادی یافت نشد؛ (۲) بر فرض صحت سند، عقلاً مانعی وجود ندارد برای این که خداوند متعال تکویناً پیامبر خویش را در برخی از موارد از گناه حفظ کند تا اعتماد انسان‌ها به او و پیامی که خواهد آورد، کاهش نیابد. مضمون این دسته از روایات، یا مبانی اهل سنت در عصمت

۱. برای آگاهی بیشتر، نک: بیابانی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۵-۲۶۸.
۲. برای آگاهی بیشتر درباره علم پیامبران و امامان (علیهم السلام)، نک: نادم، ۱۳۸۸، (در این کتاب، در قسمت «کتاب‌شناسی علم امام»، از ۳۰۸ کتاب نام برده شده که حاوی مطالبی درباره علم امام هستند) و نک: شاکر اشتیجه، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵-۱۸۶؛ کلارک، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷-۲۱۴؛ کولبرگ، ۱۳۹۱، ص ۲۱۵-۲۲۵ و دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ۱۳۹۴ الف، ص ۲۶۵-۲۷۰ و ۲۷۱-۲۷۰؛ دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ۱۳۹۴ اب، ص ۳۹-۳۸؛ الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۳۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲-۴۳؛ سیط ابن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۲۱۲-۲۱۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۰، ج ۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۱.
۳. برای آگاهی بیشتر، نک: البیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۰-۳۷؛ ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۶-۲۸۹؛ دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ۱۳۹۴ الف، ص (۲۷۲).

انبیا علیهم السلام سازگار است. آشکار است که این منع تکوینی از گناه، برای پیامبر، دائمی نخواهد بود؛ زیرا در این صورت، عقلاً نه استحقاق ثواب دارد و نه می‌تواند الگوی دیگر انسان‌ها باشد. همچنین مختار و مکلف بودن پیامبر - در آیات و روایات - قطعی است و مسلمانان بر آن اجماع دارند.

پس با تأکید بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله مانند دیگر معصومین علیهم السلام، بزرگ‌ترین مکلف است و بزرگ‌ترین تکالیف - که نبوت و هدایت خلق است - بر دوش او نهاده شده، الگوی مکلفان است و قدرت و اختیار، اصلی مهم در افعال اوست؛ آیاتی مانند: «وَلَوْ لَا أَنْ بَشْتَأْكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً» (سوره اسراء، آیه ۷۴) در ذیل عنوان حاضر، یعنی «تصرف تکوینی خداوند» نمی‌گنجد؛ زیرا خداوند متعال، نیازمند تصرف تکوینی نیست - که نتیجه فحری آن، این است که آن حضرت و لو محدود، از دایره مکلفان خارج شود - بلکه می‌تواند با روح القدس، الهام، نکت در قلب و... او را در مسیر انجام رسالتش ثابت‌قدم سازد تا هیچ‌گونه تمایلی از آن حضرت به سوی مخالفان اسلام صادر نگردد (نک: طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۰۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع آیات و روایات، دانسته شد که اولاً، منشأ عصمت معصومین علیهم السلام، مرکب از عواملی است. ثانیاً، امدادهای الهی که یکی از دو رکن منشأ عصمت‌اند، ابعاد و لایه‌های گوناگونی دارند. همان‌گونه که گذشت، نباید از ذهن دور داشت که در شکل‌گیری فرایند منشأهای عصمت، خداوند متعال و معصوم هر دو نقش دارند و نقش آنان، توأمان است: خداوند متعال با حمایت ویژه از معصوم، به روش‌های گوناگون و معصوم با تلاش خویش در ترک گناهان. به عبارت دیگر، از بسیاری از آیات و روایات فهمیده می‌شود که معصوم، نهایت تلاش خود را برای ترک معصیت انجام می‌دهد و امدادهای غیبی مانند اعطای علم و روح القدس هم او را یاری می‌کنند. ظاهراً این فرایند در همه اعمال معصوم، جاری است.

همچنین از این نصوص، استفاده می‌شود که بین برخی از این عوامل ترتیب زمانی وجود دارد مانند این که «خداوند متعال معصومین علیهم السلام را در نسل پاک قرار داده» که نسبت به زمان ترک معصیت از سوی معصوم، تقدّم زمانی دارد، اما در برخی از موارد ترتیب زمانی روشنی وجود ندارد؛ مانند این که معصوم تلاش خود را در ترک گناه به‌کار بسته و هم‌زمان با علم ویژه یا روح القدس حمایت شده است. این نیز بدیهی است که این امور و عوامل «مانعة الجمع» نیستند و معصوم هم دارای خلقت ویژه و هم طهارت مولد است و هم دارای علم اعطائی و





افزون بر این با روح القدس یا فرشته‌ای دیگر تأیید می‌شود و از همین رو، هم‌زمانی این امور و عوامل، هم ممکن است و هم واقع شده است.

نکته دیگری که در اینجا لازم است تذکر داده شود این است که هیچ یک از مؤلفه‌های عصمت، موجب مجبور بودن معصوم نمی‌شود. یکی از اصلی‌ترین عناصر عصمت، علم است که از سوی خداوند متعال - بی واسطه یا به واسطه روح القدس یا غیر آن به معصوم - اعطا می‌شود، اما این علم اختیار او را سلب نمی‌کند؛ زیرا علم، از مبادی اختیار است و قوت علم، چیزی جز قوت اراده را در پی ندارد؛ چنان که کسی که در پی سلامت خویش است، هنگامی که به سمی و گشنده بودن مایعی یقین کند، بی‌شک و به اختیار خود، از نوشیدن آن سر باز می‌زند. اجبار تنها هنگامی معنا دارد که انجام و ارتکاب یکی از دو طرف فعل یا ترک، ممکن نباشد. افزون بر ادله عقلیه قطعیه، برخی از آیات قرآن مجید گواه و شاهدی هستند بر این که معصومین علیهم السلام، در افعال خویش مجبور نیستند؛ برای نمونه، آیه ۸۸ سوره مبارکه انعام نشان می‌دهد برخی از معصومین علیهم السلام می‌توانستند شرک بورزند و اگر ممکن نبود، عبارت «لو اشركوا»، معنا نداشت. همچنین آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده گواه این امر است و اگر پیامبر در تبلیغ مجبور بود، قضیه شرطیه «ان لم تفعل»، معنا نداشت.^۱

فهرست منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. (تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن المشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). المزار الكبير. (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۹۸ق). التوحید. (تصحیح: هاشم حسینی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۱۳ق). کتاب من لایحضره الفقیه. (تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱. برای آگاهی بیشتر، نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۶۳-۱۶۴.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۶۲ش). الخصال. (تصحیح: علی اکبر غفاری).
 قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. (تصحیح: مهدی
 لاجوردی). تهران: نشر جهان.
 ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۵ش-۱۹۶۶م). علل الشرائع. قم: کتابفروشی
 داوری.
 ابن حجر الهیتمی المکی، أحمد. (۱۳۸۵ق-۱۹۶۵م). الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع
 والزندقة. تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف. مصر: مكتبة القاهرة.
 ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی. (بی تا). المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية. (المحقق:
 سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشری وآخرون). بی جا: دار العاصمة-دار الغیث.
 ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
 ابن شعبه حرّانی. حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. (تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: دفتر
 انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبی طالب علیهم السلام. قم: انتشارات
 علامه.
 ابن شهر آشوب المازندرانی، ابوجعفر محمد. (۱۴۱۰ق). مشابه القرآن و مختلفه. قم: انتشارات
 بیدار.
 ابن طاووس. علی بن موسی، (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. (تصحیح: ابوطالب
 کرمانی و محمد حسن محرر). قم: دار الذخائر.
 ابن طاووس. علی بن موسی، (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: انتشارات بوستان
 کتاب قم.
 ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات. (تحقیق: عبد الحسین امینی). نجف
 اشرف: دار المرتضویة.
 ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق). البداية و النهاية. بیروت: دار الفکر.
 الإرِبلی، علی بن عیسیو (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. (تصحیح: هاشم رسولی
 محلاتی). تبریز: بنی هاشمی.
 استرآبادی، سید شرف الدین علی حسینی. (۱۴۰۹ق). تأویل الآیات الظاهرة. قم: دفتر انتشارات
 اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.





- الأهوازی الكوفی، الحسين بن سعيد. (۱۴۰۲ق). الزهد. (تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی). قم: المطبعة العلمية.
- بیابانی اسکویی، محمد. (۱۳۹۲ش). معرفت نبی و امام. تهران: انتشارات نبأ.
- البیهقی، ابو بکر احمد بن الحسین. (۱۴۰۵ق). دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة. (تحقیق: عبد المعطی قلجی). بیروت: دار الکتب العلمية.
- التمیمی، منصور بن راشد. (۱۴۳۵ق). العصمة فی ضوء عقيدة اهل السنة و الجماعة. الرياض: مكتبة الرشد.
- ثقفی. ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق). الغارات. (تصحیح: عبدالزهراء حسینی). قم: دار الكتاب الإسلامی.
- الجرجانی، میر سید شریف. (۱۳۲۵ق). شرح المواقف. (تصحیح: بدر الدین نعسانی). قم: الشریف الرضی.
- جمعی از علما. (۱۳۶۳ش). الأصول الستة عشر. قم: دار الشیستری للمطبوعات.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. (تحقیق: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)). قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
- الحلی، جمال الدین ابو منصور الحسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۲۳ق). الألفین. قم: المؤسسة الإسلامية.
- حیدری، سید کمال. (۱۳۹۲ش). عصمت در قرآن. تهران: سخن.
- خزاز رازی. علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). كفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر. (تحقیق: عبد اللطیف حسینی کوهکمری). قم: بیدار.
- دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه. (۱۳۹۴ش الف). عقاید و معارف ۱. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه. (۱۳۹۴ش ب). عقاید و معارف ۲. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: الشریف الرضی.
- دیمه‌کار گراب، محسن. (۱۳۹۳). عصمت امام و خاستگاه آن در قرآن کریم. امامت پژوهی. ۴(۱۵)، ص ۱۰۹-۱۴۵.
- الرازی، فخر الدین (فخر رازی). (۱۴۲۰ق). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

الرازي، فخر الدين (فخر رازي). (٢٠٠٩م). كتاب الاربعين في اصول الدين. (المحقق: محمود عبدالعزيز محمود). بيروت: دار الكتب العلمية.

الزبيدي، محمد بن محمد. (بي تا). تاج العروس. (تصحيح: علي شيري). بيروت: دار الفكر.

الزمخشري، محمود بن عمر (١٩٧٩م). أساس البلاغة. بيروت. دار صادر.

سبط ابن جوزي، شمس الدين أبو المظفر يوسف بن فرغلي. (١٤١٨ق). تذكرة الخواص من الأمة في ذكر خصائص الأئمة. قم: منشورات الشريف الرضي.

سند. محمد، (١٤٢٠ق). الامامة الالهية. (تقرير: محمد علي بحر العلوم). بي جا: مؤسسة انتشارات عصر ظهور.

السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر. (١٤٠٤ق). الدر المنثور في تفسير المأثور. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.

شاکر اشتيجه، محمد تقى. (١٣٩٣ش). منابع علم امام در قرآن. امامت پژوهی. ٢ (٦) ص ١٦٥-١٨٦.

الشريف الرضي، محمد بن الحسين (١٤١٤ق). نهج البلاغة. (تصحيح: صبحي صالح). قم: انتشارات هجرت.

الشريف المرتضى، أبو القاسم علي بن الحسين. (١٢٥٠ق). تنزيه الأنبياء. قم: الشريف الرضي.

الشريف المرتضى، أبو القاسم علي بن الحسين. (١٤٠٥ق). رسائل الشريف المرتضى. قم: دار القرآن الكريم.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد. (١٤١٣ق الف). الاختصاص. (تصحيح: علي أكبر غفاري و محمود محرمي زرندي). قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد. (١٤١٣ق ب). المسائل العكبرية. (تحقيق و تصحيح: كنگره شيخ مفيد). قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

الصفار، محمد بن حسن. (١٤٠٤ق). بصائر الدرجات في فضائل آل محمد ﷺ. (تصحيح: محسن بن عباسعلي كوجه باغي). قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

الطباطبائي، السيد محمد حسين (علامة طباطبائي). (١٤١٧ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

الطبرسي. الفضل بن الحسن. (١٣٧٢ش). مجمع البيان في تفسير القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

الطبرسي، احمد بن علي. (١٤٠٣ق). الإحتجاج على أهل اللجاج. (تصحيح: محمد باقر



- خرسان). مشهد: نشر مرتضی.
- الطبري الآملی الكبير. محمد بن جرير بن رستم. (۱۴۱۵ق). المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب (علیه السلام). (تصحیح: احمد محمودی). قم: کوشانپور.
- الطبري، ابو جعفر محمد بن جرير. (۱۴۱۲ق). جامع البيان فی تفسير القرآن. بيروت: دار المعرفة.
- طبري آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامة. (تصحیح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة). قم: بعثت.
- طبري. محمد بن جرير. (۱۳۷۵ش). تاريخ طبري. (ترجمه: ابو القاسم پاينده). تهران: اساطير.
- الطوسي. محمد بن الحسن. (بی تا). التبيان فی تفسير القرآن. (تحقیق: احمد قصير عاملي). بيروت: دار احیاء التراث العربي.
- الطوسي، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة. (تصحیح: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح). قم: دار المعارف الإسلامية.
- الطوسي، محمد بن الحسن. (۱۴۲۸ق). تهذيب الاحكام. قم: نور وحي.
- العياشي، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسير (تفسير العياشي). (تحقیق: سيد هاشم رسولي محلاتي). تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
- فراة كوفي، ابو القاسم فراة بن ابراهيم. (۱۴۱۰ق). تفسير فراة الكوفي. (تحقیق: محمد كاظم محمودي). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
- الفيض الكاشاني، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافي. اصفهان: كتابخانه امام أمير المؤمنين علی (علیه السلام).
- قرآن كريم، (ترجمه: محمد مهدي فولادوند). تهران: دار القرآن الكريم.
- القندوزي، سليمان بن ابراهيم الحنفي. (۱۴۱۶ق). ينابيع المودة لذوي القربى. (تحقیق: سيد علی جمال أشرف الحسيني). بی جا: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- كلارك، ليندا جي. (۱۳۹۱ش). علم امامان علمي كه شب و روز به امام می رسد. (ترجمه: ابو الفضل حقيری قزوینی). ۲ (۶). ص ۱۸۷- ۲۱۴.
- كولبرگ. اتان. (۱۳۹۱ش). «مُحَدَّث». (ترجمه: مُسَلِّم نادعلی زاده). امامت پژوهی. ۲ (۶). ص ۲۱۵- ۲۲۵.
- الكفعمي، ابراهيم بن علی عاملي. (۱۴۱۸ق). البلد الأمين و الدرع الحصين. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الكافي. (تصحیح: علی اكبر غفاري و محمد

آخوندی). تهران: دار الكتب الإسلامية.

المازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح الكافي- الأصول و الروضة. (تصحیح: ابوالحسن شعرانی). تهران: المكتبة الإسلامية.

المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی). (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ. (تصحیح: هاشم رسولی محلاتی). تهران: دار الكتب الإسلامية.

المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی). (۱۴۲۳ق). زاد المعاد. (تصحیح: علاء الدین اعلمی). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. (تصحیح: جمعی از محققان). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدي الري شهري، محمد. (۱۳۷۵ش). میزان الحكمة. قم: دار الحديث.

مرتضى، محمد محمود. (۱۴۳۶ق). فلسفة العصمة عند الشيعة الامامية. بیروت: دار الولاء للطباعة و النشر و التوزيع.

المسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب. قم: دارالهجرة.

المنقري. نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴ق). وقعة صفين. (تصحیح: عبد السلام محمد هارون). قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم و التبریزی، میرزا جواد. (۱۴۱۶ق). صراط النجاة. (جامع: موسی مفیدالدین عاصی عاملی). قم: مكتب نشر المنتخب.

نادم. محمد حسن. (۱۳۹۱ش). علم غیب پیامبر و امام از نگاه متکلمین و فلاسفه. امامت پژوهی. (۶)۲. ص ۱۴۷-۱۶۴.

نادم، محمد حسن. (گزینش و تصحیح). (۱۳۸۱ش). علم امام (مجموعه مقالات). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

هاشمی تنکابنی، سید موسی. (۱۳۹۰ش). عصمت. ضرورت و آثار. قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.

هاشمی نسب، السید محمود رضا. (۱۴۳۲ق). الامامة علی ضوء الثقلین. (بمساعدة شعيب الحداد). قم: مؤسسه بوستان کتاب.

الهاللی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهاللی. (تصحیح: محمد انصاری زنجانی خوئینی). قم: الهادی.



۱۱۳